

بررسی زیست معنوی خانواده علوی - فاطمی و شناسایی شاخصه‌های تربیتی آن در

سوره انسان

مریم شحیطاوی^۱، یوسف فرشادنیا^۲، محمد مهدی کریمی نیا^۳، مجتبی انصاری مقدم^۴

^۱ دانش پژوه سطح چهار (دکتری) مدرسه علمیّه تخصصی عالی الزهرا (س) اهواز، پژوهشگر و فعال فرهنگی

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث تفسیر ائری، دانشگاه قم

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیّه قم (نویسنده مسئول)

^۴ دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

قرآن و عترت دو منبع نورانی برای هدایت و سعادت دنیوی و اخروی انسان از سوی خداوند در نظر گرفته شده‌اند. از آنجایی که خانواده نهاد مقدسی است و در قرآن به اهمیت آن تأکید شده، الگوبرداری از سیره و سبک زندگی خانواده معصوم علوی - فاطمی در بستر قرآن و شناخت ویژگی‌های آنان، ضروری است. نوشتار حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر انجام توصیفی - تحلیلی است. بررسی زیست معنوی خانواده علوی منجر به شناسایی و استخراج پنج ویژگی مهم شد که عبارت‌اند از: ۱. وفای به نذر ۲. معاد باوری ۳. اطعام نیازمندان ۴. اخلاص و ۵. خوف الهی. با تحلیل و تطبیق این ویژگی‌ها در سوره انسان با منابع نقلی و عقلی، مشخص شد که شاخصه‌های یادشده از اثر تربیتی ویژه‌ای برخوردارند، به‌طوری که اگر این ویژگی‌های تربیتی به همراه دیگر شاخصه‌های تربیتی قرآنی در خانواده‌ها نهادینه شود، موجب اعتلای معنوی خانواده و جامعه دینی می‌شود. ویژگی‌های یاد شده ارتباط تنگاتنگی با هم دارند که معادباوری (که متأثر از بینش توحیدی معصومین علیهم السلام است) را می‌توان ریشه اساسی وجود شاخصه‌های مذکور دانست. بنابراین از بایسته‌های سبک زندگی دینی، شناسایی و استخراج معارف اسلامی از جمله شاخصه‌های تربیتی سوره انسان است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، سوره انسان، خانواده علوی - فاطمی، زیست معنوی، شاخصه‌های تربیتی

مقدمه

نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده هست. در حدیثی از پیامبر خدا (ص) آمده است: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ»؛ (صدوق، بی‌تا: ۳/ ۳۸۳). از طرفی اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. عنصر اصلی تشکیل دهنده خانواده، یک زن و یک مرد است که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته‌اند و در گام بعدی فرزند یا فرزندان بر جمع آن‌ها افزوده شده است (بهشتی، ۱۳۶۱: ۴). بنابراین خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آن‌ها با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به هم خویشاوند محسوب می‌شوند (جهانفر، ۱۳۷۶: ۱۲۱-۱۳۰).

قرآن دو خانواده را به‌صورت ویژه و با بیان چند ویژگی مهم معرفی کرده است؛ خانواده حضرت زکریا در سوره انبیاء که می‌فرماید: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (انبیاء/۹۰)؛ پس (دعای) او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را (که نازا بود) برای او شایسته قرار دادیم (و این به خاطر آن بود که) همانا آنان در کارهای نیک، شتاب داشتند و ما را از روی امید و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵/ ۴۸۹). سه ویژگی شاخص این خانواده عبارت‌اند از: ۱. شتاب در کارهای نیک ۲. خدا را با امید و ترس می‌خواندند ۳. فروتنی در برابر خداوند.

دومین خانواده‌ای که قرآن ویژگی‌های آن را بیان می‌کند، خانواده علوی - فاطمی در سوره انسان است که در جریان عارضه بیماری برای امام حسن و امام حسین (ع) و رخداد‌های آن نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۲۱۲؛ عاملی، ۱۴۲۴ق: ۱۲/۱) که در آن شاخصه‌هایی قابل تأمل برای این خانواده معصوم و قرآنی بیان شده است. از طرفی موضوع خانواده به طور کلی در سه محور، قابل بحث و بررسی است: تشکیل خانواده، عوامل تحکیم و تعالی خانواده و نیز آسیب‌ها و عوامل فروپاشی آن (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۷) با مطالعه زیست معنوی خانواده‌هایی که در قرآن به عنوان الگو معرفی شده‌اند می‌توان به اهدافی نظیر تعالی معنوی خانواده‌ها و همچنین پیشگیری از برخی آسیب‌ها دست یافت.

۱. طرح مسئله

جهت رشد و تحمل معنوی یا به تعبیری زیست معنوی جامعه، تعالی و رشد معنوی خانواده در گام اول ضرورت دارد. از آن‌جایی که قرآن کتاب زندگی و هدایت انسان است، همه نیازهای بشر از جمله معرفی الگوهای تربیتی را در نظر گرفته است. قرآن، گاه شخصیتی را با ویژگی‌های عمده و کلیدی معرفی می‌کند و گاه به معرفی اجمالی بسنده می‌کند. در بسیاری از آیات از یک گروه و اجتماع بحث می‌کند. خانواده به عنوان یک بنای اجتماعی نیز به وسیله قرآن معرفی شده است. چنانچه در سوره انسان با اسناد معتبر شأن نزول آن اختصاص به اهل بیت (ع)؛ حضرت امام علی (ع)، حضرت زهرا (س)، حضرت حسن (ع) و حضرت حسین (ع) دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۲۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵/ ۳۴۳؛ عاملی، ۱۴۲۴ق: ۱۲/۱) از آنجایی که سبک زندگی اولیای دین و معصومان (ع) یکی از بهترین عینی‌سازی‌ها و تشخیص دادن به مفاهیم دینی است (بهجت-پور، ۱۳۹۴: ۱۱۵) نوشتار حاضر در پی پاسخ‌گویی به سوالات ذیل نگاشته شده است که عبارتند از: سوره انسان، زیست معنوی خانواده علوی - فاطمی را با ویژگی‌هایی معرفی کرده است؟ اهمیت تربیتی شاخصه‌های مذکور چیست؟

۲. پیشینه

با بررسی پیشینه پژوهش آنچه مشخص گشت این است که علی قائمی امیری کتابی با عنوان "خانواده‌ای نمونه در اسلام" که برداشتی از «سوره هل اتی» است، نگاشته است. در این کتاب که جنبه تربیتی دارد نویسنده بعد از نگاهی به قرآن و سوره هل اتی، اهداف تربیت، محتوای تربیت، مراحل تربیت، روش‌های تربیت را ذکر کرده است و سپس بحث معلم و مربی را مطرح می‌کند و نیاز انسان در هر شرایطی به مربی را بیان می‌کند (قائمی امیری، ۱۳۸۶: ۱۱۸)، سپس مباحث مرتبط با سوره هل اتی را

با موضوعاتی از قبیل، امتحان و سنجش، مدیریت و اجرا در تربیت و... ادامه می‌دهد. وجه امتیاز نوشتار حاضر با نوشته نوشته فوق تأکید و تطبیق ۵ شاخصه زندگی خانواده علوی و بررسی تطبیقی نقش و اثر تربیتی آنها است.

۳. سوره انسان

۳-۱. شناسنامه سوره

این سوره از لحاظ ترتیب سوره‌های قرآنی، هفتاد ششمین و از جهت ترتیب نزول نود و هشتمین سوره می‌باشد. سوره انسان دارای چندین نام است. الدهر، الانسان، سورة الأبرار از نام‌های وارد شده این سوره است لکن در اخبار تعبیر به سوره هل اُتی شده است (طیب، ۱۳۶۹: ج ۱۳/ ۳۰۹). برخی به مکی بودن این سوره اذعان دارند. و بعضی همه‌ی آیات آن را مدنی می‌دانند و بعضی گفته‌اند: جز قول: «وَلَا تَطْعُ مِنْهُمْ أَثِمًا أَوْ كَفُورًا» همه مدنی است و بعضی گفته‌اند: قول خدا «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا» تا آخر سوره مکی و بقیه مدنی است و این سوره مشتمل بر سی و یک آیه است (سلطان علی شاه، ۱۳۷۲: ۱۴/ ۳۸۰). صاحب تفسیر المیزان معتقد است: «این سوره به شهادت سیاقی که دارد یا همه‌اش و یا حد اقل اوائل آن که دوازده آیه است، در مدینه و نه آیه ذیلش در مکه نازل شده است. روایات ائمه اهل بیت (ع) همه متفق‌اند بر اینکه این سوره در مدینه نازل شده، روایات اهل سنت هم در این باره بسیار زیاد است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۲/۲۰). دکتر ابراهیم اقبال در مقاله‌ای تحت عنوان "سوره انسان و اهل بیت علیهم السلام" مدنی بودن این سوره را تأیید می‌کند و می‌نویسد: «با استناد به منابع اهل تسنن و گردآوری و تحلیل روایات و اقوال در ترتیب نزول سوره‌های مکی و مدنی و نیز روایات اسباب نزول، نزول سوره در مدینه و اختصاص به فضیلت یاد شده به اهل بیت- علیهم السلام- و بی‌اساس بودن سبب نزول‌های دیگر اثبات می‌شود» (اقبال، ۱۳۹۱: ۱).

۳-۲. شأن نزول و فضیلت سوره

در شأن نزول این صورت هم مطالب مهمی وجود دارد. حسن و حسین (ع) بیمار شدند، رسول خدا (ص) با جمعی به عیادت آن دو آمدند، گفتند: یا ابا- الحسن بهتر است برای شفای فرزندان نذری بکنی، و بدین‌گونه علی و فاطمه و کنیزشان فضا نذر کردند که اگر خدا به آن دو شفا دهد، سه روز، روزه بگیرند، آن دو از مرض شفا یافتند حضرت علی (ع) از شمعون خیبری سه صاع جو قرض کرد، فاطمه (س) یک صاع آن را آرد کرد و پنج قرص نان پخت، آنها را پیش خود گذاشتند تا افطار کنند، اما در هنگام افطار در اولین شب؛ سائل، دومین شب؛ یتیم و سومین شب اسیری برآنها وارد شد و سه شب طعام خود را بخشیدند. چون صبح کردند علی (ع) دست حسن و حسین (ع) را گرفت و محضر رسول خدا (ص) آمدند حضرت چون دید که از شدت گرسنگی می‌لرزند فرمود: چقدر ناراحت می‌کند حالی که در شما می‌بینم، با آنها به منزل فاطمه (س) آمد او را در محرابش دید که پشتش به شکمش چسبیده (شکمش به پشتش) و چشمانش به گود رفته است از دیدن آن وضع ناراحت شد، جبرئیل نازل گردید و گفت، یا محمد بگیر این سوره را، خدا تو را درباره اهل بیت به تو تحیت فرموده است. آن گاه تمام سوره را بر آن حضرت خواند. (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۴۶۵-۴۶۶)

همچنین درباره ثواب تلاوت گفته شده است: «هر که صبح پنجشنبه سوره هل اُتی قرائت کند، حق تعالی صد حور العین بکر، و چهار هزار ثیب به او تزویج فرماید: و در بهشت با حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم باشد. (به شرط ایمان و تقوی و عمل به لوازمات این سوره مبارکه)» (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴۰۷/۱۳). در تفسیر البرهان برای خواندن این سوره خواصی در غالب دو روایت نقل شده است. پیامبر اسلام (ص) فرمودند؛ هر کس بر قرائت سوره انسان مداومت ورزد، اگر روحش ضعیف باشد دارای قدرت روحی می‌شود همچنین از امام جعفر صادق (ع) آمده است قرائت سوره انسان موجب تقویت و نیرومندی روح و قوی شدن اعصاب و آرامش یافتن اضطراب مفید است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵۴۳/۵)

۳-۳. محتوا و ساختار سوره

این سوره در آغاز، خلقت انسان را بعد از آنکه نامی از او در میان نبود خاطرنشان می‌سازد (انسان/۲) و سپس می‌فرماید که خدای تعالی او را به راهی که تنها راه اوست هدایت کرد، حال یا این انسان شکر هدایتش را می‌گذارد، و یا کفران می‌کند (انسان/۳) آن گاه می‌فرماید برای کافران انواعی از عذاب و برای ابرار الوانی از نعمت آماده کرده (انسان/۴) و اوصاف آن نعمت‌ها را در طی هجده آیه شرح می‌دهد و در نهایت خطاب متوجه به پیامبر (ص) می‌شود و ضمن یادآوری نزول تدریجی قرآن بر پیامبر توسط خداوند به شکیبایی در برابر حکم پروردگار، پرهیز از پیروی از هوا و هوس‌های کفار، توصیه به یاد پروردگار در شب و روز، توصیف و مذمت دنیاگری کافران و ... سوره به پایان می‌رسد.

۴. زیست معنوی خانواده علوی و شاخصه‌های آن در سوره انسان

با بررسی محتوای سوره انسان، پنج شاخصه عمده از زیست معنوی خانواده علوی شناسایی و استخراج شد که در ادامه در پنج بخش به بررسی اهمیت هر شاخصه و آثار تربیتی آن خواهیم پرداخت.

۴-۱. وفای به نذر و آثار تربیتی آن

اولین شاخصه وفای به نذر است (انسان/۷). نذر از نظر لغوی به معنی آنچه واجب گردانند بر خود [وَهُوَ مَا يَنْذِرُهُ الْإِنْسَانُ فَيَجْعَلُهُ عَلَى نَفْسِهِ نَحْبًا وَاجِبًا] (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵/ ۲۰۰) است. همچنین التزام به انجام یا ترک عملی به صورت خاص به خاطر خداوند متعال با صیغه خاص که منعقد می‌شود از تعاریف دیگر نذر است (محدثی، ۱۳۷۴: ۲۳۷). واژه نذر، راغب در مفردات می‌نویسد: «نذر یعنی در کاری که پیش می‌آید انسان چیزی را بر خودش واجب کند که در واقع واجب نیست، می‌گویند: نذرت لله امرأ - کاری را برای خدا بر خود نذر کردم که انجام دهم. در آیه گفت: إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا - مریم/ ۲۶ برای خدای رحمن بر خودم روزه‌ای نذر کرده‌ام. و گفت: وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ - البقره/ ۲۷ که در همان معنی است» (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۴/ ۳۰۷). بنابراین نذر آن است که انسان در برابر خداوند، خود را به چیزی ملتزم و متعهد کند و مثلاً چنین بگوید: من در برابر خدا نذر می‌کنم که فلان عمل را انجام دهم یا فلان چیز را انفاق کنم یا بگویم: من در برابر خدا نذر می‌کنم که اگر فلان حاجتم روا شود چنین و چنان کنم. اولی را نذر ابتدایی و دومی را نذر شرطی می‌گویند و از نظر فقهی هر دو لازم الاجرا است و کسی که نذر می‌کند بر او واجب می‌شود که به نذر خود عمل کند و اگر نکرد کفار دارد. (جعفری، ۱۳۷۶: ۲/ ۲۸). بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که نذر و فرهنگ آن قدمتی دیرینه دارد، به عنوان مثال در آیه ۳۵ سوره آل عمران آمده است: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل- عمران/ ۳۵). هنگامی که زن عمران گفت: پروردگارا من آنچه را که در شکم دارم نذر کرده‌ام که در راه خدمت به تو رها باشد. پس، از من بپذیر همانا تو همان شنوا و دانا هستی. نذر واجب نیست اما وفای به نذر (نذری که از جهت شرع صواب باشد) واجب است، حضرت زهرا مرضیه (س) وفای به نذر را سبب آمرزش می‌داند، «وَأَوْفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِضًا لِلْمَغْفِرَةِ»؛ (المجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۹/ ۲۲۳). از فواید ثمرات وفای به نظر می‌توان به ۱. خداوند، مددکار و یاور وفاکنندگان (بقره/ ۲۷۰) ۲. از عوامل ورود به بهشت (انسان/ ۵)، مصونیت از سختیهای قیامت (انسان/ ۷)، موجب شادابی و شادمانی در قیامت (همان) اشاره کرد. از مفهوم «و ما للظالمین من انصار» در آیه «و ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (بقره/ ۲۷۰) که تارکان وفای به نذر در شمار آنان است استفاده می‌شود که وفاکنندگان به نذر مشمول نصرت الهی هستند (هاشمی رفسنجانی و همکاران، بی‌تا: ۳۰/ ۴۱۹). به نظر می‌رسد که در برخی خانواده‌هایی که با فرهنگ نذر آشنایی ندارند و یا اهمیتی به آن نمی‌کنند، برای رسیدن به خواسته‌ها صرف‌نظر از تلاش‌های منطقی و لازم، خرافات و اعتقادات غیر منطقی نفوذ می‌کند، لذا فرهنگ نذر که رسول اکرم (ص) به اهل‌بیت‌اش (ص) توصیه کرده است می‌تواند نقش تربیتی و اهرم تقرب به پروردگار، احساس آرام، تقویت ایمان، کمک به نیازمندان، رضایت و نصرت الهی را در پی داشته باشد.

۴-۲. معاد باوری و آثار تربیتی آن

معاد به عنوان یکی از اصول دین به اندازه‌ای مهم و تاثیرگذار است که در مورد آن چنین گفته شده است: «این اصل در اسلام، با سایر اصول اعتقادی و نیز با فروع دین و احکام و حتی اخلاق و به عبارتی با همه شؤون جهان و از جمله انسان در ارتباط

است» (اقبال، ۱۳۹۲: ۶۶). شهید مطهری در اهمیت معاد می‌نویسد: «مسئله معاد از نظر اهمیت، بعد از مسئله توحید مهم‌ترین مسئله دینی و اسلامی است. پیامبران آمده‌اند برای این که مردم را به دو حقیقت مؤمن و معتقد کنند: یکی به خدا و دیگری به قیامت» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۹). با مراجعه به آیات و روایات در این زمینه این کارکرد بیشتر تبیین می‌شود چنانچه بیش از یک سوم آیات قرآن درباره جهان پس از مرگ بوده و بسیاری از آن‌ها بیانگر آثار ایمان یا پیامدهای انکار معاد هستند؛ زیرا ایمان به معاد ضامن اجرای قوانین الهی و زمینه ساز نیل آدمی به کمال نهایی و سعادت ابدی است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۹۹) و ایمان به معاد در واقع ایمان به اهداف عالی معنوی و قدسی است که خداوند برای سعادت دنیوی و اخروی انسان ترسیم کرده است و از مهم‌ترین ثمره‌های معادباوری رها بخشی از پوچ‌گرایی (سامانی و نصیری، ۱۳۸۹: ۹) با در نظر گرفتن اهداف معنوی و قدسی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین آثار باور به معاد و زندگی پس از مرگ احساس مسئولیت شدید در برابر فرمان الهی است. به هر حال وقتی آنها به نذرهایی که بر خویشتن واجب کرده‌اند وفا می‌کنند به طریق اولی واجبات الهی را محترم شمرده و در انجام آن می‌کوشند. ترس آنها از شر آن روز بزرگ اشاره به ایمانشان به مساله معاد، و احساس مسئولیت شدید در برابر فرمان الهی است. آنها به خوبی معاد را باور کرده‌اند، و به تمام کیفرهای بدکاران در آن روز ایمان دارند، و اثر این ایمان در اعمالشان کاملاً نمایان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵ / ۳۵۲). معاد باوی آثار فراوانی دارد که در قرآن به آن اشاره شده است، اما در این آیه می‌توان چنین بیان کرد که در خانواده علوی که همه افراد آن دارای این ویژگی مهم (معادباوری) هستند، پیوند عمیقی در استحکام خانواده و ثبات آن در انجام بندگی خدا در تمام ابعاد وجود دارد. از آنجایی که آیات قرآن همدیگر را تفسیر می‌کنند، می‌توان به آیه ۶ از سوره تحریم جهت تأیید این مطلب اشاره کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم/۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و کسان خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید. این آیه به خوبی نقش خانواده در سعادت و شقاوت همدیگر و اهمیت معادباوری را نشان می‌دهد. یادآور این نکته ضروری است که پیش از معادباوری شناخت و معرفت به اصل معاد است. جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: «اولین گام در معادباوری، شناخت معاد از سوی عقل نظری است؛ زیرا یکی از دو رکن اساسی برای ایمان، عقل نظری سالم برای فهم درست معارف است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲ / ۲۷۵).

یاد مرگ و معاد باوری آثار تربیتی فراوانی دارد. در واقع یاد مرگ، پذیرش سختی‌های دنیا را آسان نموده و با یاد مرگ می‌توان از آن‌ها گذر کرده و خود را در افقی برتر به نظاره نشست. اگر همه‌ی حیات خود را متوقف در دنیا کنیم، سختی‌های دنیا ما را از پای درمی‌آورد و در روبه‌رو شدن با هر سختی، گویا همه‌ی حیاطمان به لرزه می‌افتد (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۹) بنابراین از آثار تربیتی استقامت در برابر سختی‌های حیات دنیوی است. در آیه یُوقُونَ بِالْذِّبْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا؛ [همان بندگان که] به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند (انسان/۷) انجام مسئولیت و فریضه واجب وفای به نذر در سایه معادباوری تحقق پیدا می‌کند، هر چند که گرایش‌های الهی اهل بیت (ع) و انجام واجبات صرفاً به جهت ترس از خدای یکتا نیست، آن بزرگواران با شناختی که از پروردگار دارند و غرق در محبت پروردگار خود هستند، فقط و فقط برای خدا (لَوْجَه الله) ایفای نقش می‌کنند. معادباوری در زندگی خصوصاً در خانواده گرایش‌ها را متعالی می‌کند بنابراین همانطور که اشاره شد اولین گام شناخت درست مسئله معاد و سپس رسیدن به معادباوری است.

یکی از معضلاتی که در جوامع دینی (از خانواده تا اجتماع‌های بزرگ) امروز وجود دارد عدم وجود شناخت صحیح از مسئله معاد است. معادباوری و اندیشیدن به مرگ اثرات فراوانی در خانواده دارد، از رابطه زن و شوهر گرفته تا فرزندان و همه اعضای خانواده تا یک اجتماع بزرگ. یکی از آثار معادباوری آینده‌نگری است که شخص هر کار و فعالیت را بدون توجه به جنبه و آثارش در آخرت انجام ندهد. اگر این نگاه در خانواده‌ها غالب شود و به عبارت درست‌تر خانواده اجتماع را دربر گیرد، مشکلات فراوان امروز از قبیل مشاجره‌ها، قتل‌ها و... کاهش چشم‌گیری پیدا می‌کند. نمونه‌ای از تاریخ درباره عدم معادباوری و معادترسی را در واقعه عاشورا و کربلا می‌توان مشاهده کرد، آن‌جا که امام حسین (ع) فرمود: «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ كُنُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ» (المجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۵۱)؛ ای پیروان آل ابوسفیان، اگر دین ندارید و از معاد نمی‌ترسید، پس در دنیایتان آزاده باشید.

اثرات منفی عدم معادباوری و معادترسی حتی به جایی می‌رسد که شخص امام معصوم و امام زمان خود را به شهادت می‌رساند. در نتیجه می‌توان گفت که معادباوری اگر در خانواده و اعضای آن و طبیعتاً در یک اجتماع متشکل از خانواده‌ها وجود داشته باشد، اثرات و برکات فراوانی را در پی خواهد داشت که یکی از نتایج مشهود آن کاهش معضلات خانواده‌ها و اجتماعات است.

۳-۴. اطعام و آثار تربیتی آن

ویژگی سومی که در آیه هشتم سوره انسان برای معرفی خانواده علوی آمده اطعام است چنانچه می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا» (انسان/۸)؛ این اطعام که پیش‌تر جریان آن در ارتباط با نذر و روزه گرفتن و اطعام غذای مورد احتیاج شدید خانواده علوی بیان شد، تفاسیر و تحلیل‌های متنوعی دارد. در تفسیر مجمع البیان آمده است: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ» یعنی اطعام طعام می‌کنند با حبی که بر طعام انحصاری خود دارند. یعنی می‌خورانند طعام موجود و منحصر خود را با نیاز شدیدی که بر آن دارند. خداوند سبحان آنها را توصیف فرموده به ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خودشان (وَ يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) دیگران را بر خود اختیار می‌کنند و مقدم می‌دارند گر چه اختصاص، به خودشان داشته باشند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۱۷). طبرسی در ادامه با ذکرروایتی از پیامبر (ص) در خصوص اهمیت اطعام به مسلمانان در زمان گرسنگی و احتیاط و رسیدگی به دیگر احتیاجات آنان می‌نویسد: «هیچ مسلمانی نیست که مسلمانی را مهمان نمود در گرسنگی و اطعام نماید مگر آنکه خدا او را از میوه‌های بهشت اطعام نماید...» (همان). بنابراین آیات شریفه سوره انسان، دستور و سرمشق بزرگی است برای کسانی که بخواهند مقام عالی و قرب سبحانی را دریابند به اطعام برای رضای خدا، و از این جهت حضرت صادق (ع) این آیه را جاری در حق هر مؤمنی که اطعام نماید بر مسکین و یتیم و اسیر برای رضای خدا می‌داند (شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳/۴۱۴).

اطعام در قرآن به اشکال گوناگونی بیان شده است که اثرات آن هم دنیوی و هم اخروی است. خداوند در سوره ماعون آیه سوم می‌فرماید: «وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (ماعون/۳) و (کسی را) بر اطعام فقیر ترغیب نمی‌کند. در این سوره که اثرات انکار معاد را بیان می‌کند، به بحث عدم اطعام اشاره می‌کند. اطعام به نیازمندان و معادباوری رابطه تنگاتنگی با هم دارد که قرآن یکی از اثرات عدم معادباوری را اطعام نکردن و ترغیب دیگران به انجام ندادن این عمل و ویژگی شایسته است.

۴-۴. اخلاص و آثار تربیتی آن

اخلاص که از ارکان عبادات محسوب می‌شود و اثرات تربیتی فراوانی دارد که خداوند در برخی موارد متضمن اعطای آن‌ها است. در حدیثی در کتاب بحار آمده است: «من أخلص لله أربعين يوماً فجزَّ الله ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه» (المجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۶/۵۳)؛ کسی که چهل روز با اخلاص به سربرد چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبان (و قلم) او جاری می‌گردد. دستور بندگی خالص در قرآن علاوه‌واژه اخلاص و مشتقات آن با کلمات و عبارتهای متنوع دیگری آمده است؛ مانند: «يُرِيدُونَ وَجْهَهُ»، «أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ»، «نَصَحُوا لِلَّهِ»، «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»، «ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ»، «وَقُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ»، «حَنِيفٌ»، «تَبَتَّلَ إِلَيْهِ» (بطحائی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۹۷). از طرفی شرک در تضاد با اخلاص است و از این جهت یکی از مهمترین شروط قبول شدن عبادات اخلاص است. در جای جای قرآن اخلاص پیامبران در هدایت مردم و تبلیغ رسالت به چشم می‌خورد مانند آیه ۷۲ سوره یونس: «... فَمَا سَأَلْتَكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ... من مزدی از شما نمی‌طلبم پاداش من جز بر عهده خدا نیست» و موارد متعددی قرآن در معرفی آنان (پیامبران) می‌فرماید از کسانی تبعیت کنید که از شما در ازای تبلیغ پاداش (اجر) دریافت نمی‌کنند.

آیه نهم سوره انسان ویژگی چهارم این خانواده گرامی را بیان می‌کند: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا» (انسان/۹)؛ (و زبان قال و حالشان این است که) جز این نیست که ما شما را برای رضای خدا اطعام می‌کنیم از شما پاداش و سپاسی نمی‌خواهیم. «جز این نیست که ما اطعام می‌کنیم شما را قربه‌الی الله اراده نداریم از شما که عوضی و جزائی بماند یا شکرگزار ما باشید. بنابراین در زمان اطعام آنان، توقع جزا و شکرگزاری از آنها نداشتند و غرض از اطعام آنها جز رضا و خشنودی خدا و قربت و خلوص نبوده که مفاد: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ است لا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً (طیب، ۱۳۶۹: ۱۳/۳۱۹-۱۴

۳۲۰). بنابراین عمل اطعام آنان اختصاص بوجه ساحت پروردگار و جلب رضایت ساحت او دارد و هرگز توأم با منت نبوده که سبب بطلان صدقه باشد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۵۱). چنانچه عمل وقتی از خود خواهی و ریاء و باقی جهات طبیعی خالص گردید آن وقت انجام دهنده آن از نیکوکاران محسوب می‌گردد و ابرار کسانی می‌باشند که در انفاق، منت به فقیر نگذارند و عوض از وی نخواهند بلکه با کمال احتیاج خود خالصا مخلصا لوجه الله اتفاق نمایند (امین، بی‌تا: ۲۳۶/۱۴). همچنین از کلمه «لَوْجِهَ اللَّهِ» اخلاص ناب را می‌توان دریافت کرد، اطعام و انفاق خانواده علوی- فاطمی به این گونه است که مستحق آن پاداش الهی «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا» (انسان/۱۱) شدند. در بحث انفاق و آداب مربوط به آن نکات متعددی را قرآن بیان می‌کند که گاهی عدم توجه به آن‌ها، شخص انفاق کننده علاوه بر آن که بهره‌ای از انفاق‌اش نمی‌برد که گاهی مرتکب گناه و حتی هتک حرمت شخص نیازمند می‌شود.

۴-۵. خوف الهی و آثار تربیتی آن

خوف از خداوند در حقیقت ترس از رفتار زشت و ناپسند خودمان است که بر اثر قوانین تشریعی الهی عذاب و کیفر خداوندگاری بر آن‌ها مترتب می‌گردد و در این باره باید از خدا بترسیم؛ چون او است که می‌تواند ما را ببخشد و کیفر و عذاب را از ما بردارد و یا ما را به عذاب خویش مبتلا سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۵۲). دهمین آیه از سوره انسان به ویژگی خوف الهی خانواده علوی-فاطمی اشاره می‌کند: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا» (انسان/۱۰)؛ ما از قهر پروردگار خود به روزی که از رنج و سختی آن رخسار خلق درهم و غمگین است می‌ترسیم. سخن ابرار در آیه «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا» ممکن است «زبان حال» یا «زبان قال» آنها باشد. همچنین تعبیر از روز قیامت به روز «عبوس» و «سخت» با اینکه عبوس از صفات انسان است و به کسی می‌گویند که چهره‌اش را در هم کشیده، به خاطر تاکید بر وضع وحشتناک آن روز است، یعنی آن قدر حوادث آن روز سخت و ناراحت کننده است که نه تنها انسانها در آن روز عبوسند بلکه گویی خود آن روز نیز عبوس است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵/۳۳۵). علامه طباطبایی مراد از «عبوس بودن آن» را ظهور کمال شدت آن برای مجرمین دانسته است و در خصوص کلمه «قمطیر» به معنای دشوار و سخت است. همچنین آیه در مقام بیان علت سخن «إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ...» حکایت دارد و اینکه اگر عمل مذکور خود را تنها و تنها به خاطر خدا انجام دادند، و عبودیت خود را برای خدا خالص کردند، بدین جهت است که از آن روز سخت و دشوار می‌ترسیدند، و برای بیان علت مذکور اکتفاء نکردند به اینکه ما از آن روز می‌ترسیم، بلکه آن روز را به پروردگار خود نسبت داده، گفتند: "ما از پروردگار خود از روزی می‌ترسیم که چنین و چنان است"، تا فهمانده باشند هم اطعامشان و هم ترسان برای غیر خداوند نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۰۶-۲۰۵) و این خوف الهی نیروی محرکه قوی جهت تعالی و رشد انسان است. هر چند امامان معصوم (ع) معرفت نابی به خداوند و شایستگی پرستش دارند و خوف الهی در وجود آنان متفاوت با غیر معصومین است چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الهی ما عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (المجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۱/۱۴)؛ خدایا! من تو را پرستش نکردم از ترس آتش جهنم و پرستش نکردم به طمع بهشت، بلکه فقط تو را شایسته پرستش می‌بینم. در این ارتباط آیت الله جوادی آملی می‌گوید: «سالکانی که خدای سبحان را «خَوْفًا مِنَ النَّارِ» یا «شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ» عبادت کرده و در محدوده خوف و طمع کار و عبادت می‌کنند: (یدعون ربهم خوفًا وطمعاً) در وادی محبت قدم نخواهند گذاشت. دوستان خدا می‌دانند که خدای سبحان آنها را از دوزخ می‌رهاند و به بهشت می‌رساند؛ لیکن آنان خدا را برای این عطای معلوم عبادت نمی‌کنند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷/۲۶۵).

بنابراین ترس از قیامت و عذاب‌های آن و در عین حال امید به رحمت الهی (حالتی بین ترس و امید) جهت حرکت در مسیر بندگی نیاز مهمی است که متأسفانه کمتر در زندگی کنونی و خانواده‌ها دیده می‌شود.

بنابراین خوف خدا و عذاب الهی (اخروی) یک فضیلت است که انسان از قادر متعال برای تعالی شدن خود بترسد و در خودسازی و کامل شدن خود و انجام وظایف همت کند. زبان‌های دنیوی موقت هستند و سرانجام پایان می‌یابند و آن زبان‌ها حداکثر در طول زندگی دنیوی انسان را گرفتار خویش می‌سازند، این درحالی است که عذاب‌های اخروی ابدی و جاودانه‌اند و انسان معصیت‌کار را گریزی از آنها نیست. اینجاست که عقل به انسان حکم می‌کند که فکر خود را صرفاً معطوف به خطرات و زبان‌های موقتی دنیا نکند، و بیش از هر چیز به خطرات و آسیب‌های اخروی و ابدی بیندیشد و درصدد رهایی از آنها برآید و از

این جهت انسان باید همیشه ترس از گرفتار شدن به عذاب‌های اخروی را در دل خود زنده بدارد. البته باید در حالت ترس از خدا و عذاب‌های الهی، جانب اعتدال را رعایت کند و ترس او چندان تشدید نگردد که به ناامیدی از رحمت الهی بینجامد و در نتیجه، شدت آن ترس، راه توبه را به روی خویش مسدود ببیند و آمیدی به مغفرت و آمرزش الهی نداشته باشد(مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۵-۱۴) آنچه ضرورت دارد یاد همیشگی قیامت است چرا که ثمره آن پیشگیری از انحراف و ابتلای به عذاب الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۹۸) و از این جهت حضرت سجاد (ع) از خداوند می‌خواهد که یاد مرگ استمرار داشته باشد: «وَأَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا، وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًّا؛ و مرگ را پیش چشم ما مجسم کن و یاد آن را از خاطر ما مبر» (شعرانی، ترجمه صحیفه سجادیه، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

نتیجه

در قرآن به خانواده و مسائل مرتبط با آن در آیات متعددی پرداخته شده است. قرآن به طور ویژه دو خانواده نمونه را با ذکر شاخصه‌هایی معرفی نموده است که عبارتند از؛ خانواده حضرت زکریا (ع) و امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س). نوشتار حاضر با بررسی سوره انسان که به سوره ابرار نیز شناخته می‌شود پنج ویژگی مهم این خانواده نمونه و از خاندان عصمت و طهارت را شناسایی و استخراج نمود که عبارتند از؛ ۱. وفای به نذر ۲. معاد باوری ۳. اطعام خاص ۴. اخلاص و ۵. خوف الهی. با تحلیل و تطبیق این ویژگی‌ها در سوره انسان با منابع نقلی و عقلی، مشخص شد که شاخصه‌های یادشده از اثر تربیتی ویژه‌ای برخوردارند، به طوری که اگر این ویژگی‌های تربیتی به همراه دیگر شاخصه‌های تربیتی قرآنی در خانواده‌ها نهادینه شود، موجب اعتلای معنوی خانواده و جامعه دینی می‌شود. ویژگی‌های یاد شده ارتباط تنگاتنگی با هم دارند به طوری که معادباوری (که متأثر از بینش توحیدی معصومین علیهم السلام است) را می‌توان ریشه اساسی وجود شاخصه‌های مذکور دانست. آنچه می‌توان از این شاخصه‌ها استفاده کرد همانا اثرگذاری معادباوری بر تمام شئون و ویژگی‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان است که نقش بنیادینی را ایفا می‌کند. بنابراین از بایسته‌های سبک زندگی دینی و زیست معنوی، شناسایی و استخراج معارف اسلامی از جمله شاخصه‌های تربیتی سوره انسان است.

منابع

- قرآن
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- اقبال، ابراهیم (۱۳۹۱)، «سوره انسان و اهل بیت علیهم السلام»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۵، شماره ۲، صص ۱-۱۸
- امین، نصرت‌بیگم (بی‌تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ۱۵ جلد، بی‌جا، بی‌نا.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، تهران: بنیاد بعثت.
- بطحائی گلپایگانی، سید حسن (۱۳۹۲)، «جستاری در مفهوم‌شناسی و گستره اخلاص در قرآن»، فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۳، شماره ۱۲، صص ۹۷-۱۱۶.
- بهشتی، احمد (۱۳۶۱). خانواده در قرآن ۳، قم: انتشارات طریق القدس.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، چاپ ۲، تهران: برهان.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸-۹)، تسنیم، ج ۲ و ج ۷، قم: انتشارات اسراء.
- جهانفر، محمد (۱۳۷۶)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: دهخدا.

- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی.
- خرم دل، مصطفی (۱۳۸۴)، تفسیر نور (خرم دل)، چاپ ۴، تهران: احسان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی حسینی، اصفهان: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۷۲)، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباده، تهران: سر الاسرار.
- شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن، (۱۳۸۹)، ترجمه و شرح صحیفه سجاده، چاپ ۴، قم: انتشارات اشکذر.
- الشیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه القمی (بی تا). من لا یحضره الفقیه، (تحقیق علی اکبر الغفاری)، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹)، هنرمردن، اصفهان: لب المیزان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم-دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ ۳، تهران: ناصر خسرو.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ ۲، تهران: اسلام.
- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۲۴ق)، تفسیر سوره هل أتی، بیروت: مرکز الاسلامی للدراسات.
- قائمی امیری، علی (۱۳۸۶)، خانواده‌ای نمونه در اسلام، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ ۲، تهران: بنیاد بعثت مرکز چاپ و نشر.
- کلینی الرازی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق). الکافی، (تحقیق علی اکبر الغفاری)، چاپ چهارم، بیروت، دار صعب و دار التعارف.
- المجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محدثی، جواد (۱۳۷۴)، فرهنگ عاشورا، ج ۳، قم: انتشارات معروف.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، چاپ ۴، (مترجم حمید رضا شیخی)، قم: دار الحدیث.
- مصباح، محمد تقی (۱۳۸۹)، «ترس از خدا و نقش سازنده آن در زندگی (۲)»، معرفت، سال ۱۹، شماره ۱۵۴، ص ۵-۱۴.
- مصباح، محمد تقی (۱۳۹۴)، پندهای الهی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، معاد، قم: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۷)، ترجمه تفسیر کاشف، چاپ: ۱، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، چاپ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران، (بی تا)، فرهنگ قرآن، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.